

عنوان مقاله:

بررسی تطبیقی اومانیسیم در اشعار بلند الحیدری و احمد شاملو

محل انتشار:

ششمین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه زبان و ادبیات ایران (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نویسندگان:

حمید ولی زاده - استادیار دانشگاه شهید مدنی آذربایجان- تبریز

فردین قنبری - دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان- تبریز

سیروس محمودزاده - دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان- تبریز

خلاصه مقاله:

سرودن از انسان و انسان گرایی در شعر، یکی از برجسته ترین مضامین شعر معاصر جهان به شمار می رود همزمان با تولد مکتب اومانیسیم یا انسانگرایی، شاعران و نویسندگان توجه دو چندان به انسان و مقوله های انسانی در آثار خود نشان دادند. این توجه و گرایش به انسان در اشعار شاملو و بلند الحیدری با جدیت بیشتری به چشم می خورد، احمد شاملو و بلند الحیدری به عنوان شاعران نامدار و برجسته این گونه از ادبیات معاصر ضمن تاثیر پذیری از مکتب اومانیسیم به خلق تصاویر شعری بی بدیل همت گمارده و شعرشان را در خدمت مکتبی قرار داده اند که به آن اعتقاد راسخ داشته اند هر چند ایشان در باب تمام اغراض شعری هنرورزی کرده اند اما در خصوص دغدغه های بشری و ارزش قائل شدن به شان و مقام انسان و محوریت او از بسیاری از شاعران هم عصر خود متمایز یافته اند از آنجاکه توجه به انسان، مشکلات و گرفتاریهایش از دغدغه های اصلی این دو شاعر بزرگ بوده در این پژوهش بر آن شدیم تا با روش توصیفی-تحلیلی نقاط مشترک مضامین شعر ایشان و به بررسی مولفه های اومانیسیم در برخی از اشعار ایشان را مورد بررسی قرار دهیم. یافته های این پژوهش حکایت از آن دارد که اشعار ایشان متأثر از مکتب اومانیسیم است و انسان در شعر ایشان به صورت آگاهانه از جایگاه مهمی برخوردار است این دو شاعر دارای اشتراکات معنایی هستند که از جمله عمده ترین مضامین شعری ایشان، عشق، زندگی، مرگ، شکوه و اعتراض، و غربت گزینی خلاصه شده است.

کلمات کلیدی:

اومانیسیم، شعر معاصر، بلند الحیدری، احمد شاملو

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1041833>

